

رسالة محمد



دانشگاه کاشان

دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

تصحیح انتقادی و تعلیق غزلیات رضاقلی‌خان هدایت (بخش اول)

استاد راهنما:

دکتر رضا روحانی

استاد مشاور:

دکتر سید محمد راستگو

توسط:

سمیرا قاسمی طالخونچه

اردیبهشت ۱۳۹۳

بسمه تعالی

تاریخ: ۹۳/۲/۲۱
شماره: ۲۷۶۶۷۵
پوست:



دانشگاه کاشان

دانشکده ادبیات و
زبانهای خارجی

مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه

صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

نام و نام خانوادگی دانشجو: سمیرا قاسمی طالخونچه شماره دانشجویی: ۸۹۱۲۵۱۰۰۱۲

رشته: زبان و ادبیات فارسی دانشکده: ادبیات و زبانهای خارجی

عنوان پایان نامه: تعلیق و تصحیح انتقادی دیوان غزلیات رضا قلی خان هدایت بخش اول

تعداد واحد پایان نامه: ۴ واحد تاریخ دفاع: ۱۳۹۳/۲/۹

این پایان نامه به مدیریت تحصیلات تکمیلی به منظور بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد ارائه می گردد. دفاع از پایان نامه در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۹ مورد تأیید و ارزیابی اعضای هیأت داوران قرار گرفت و با نمره $\frac{۱۸۲۷۵}{\text{به عدد}}$ و با درجه بسیار خوب به تصویب رسید. همچون و همکاران به حروف
اعضاء هیأت داوران:

عنوان	نام و نام خانوادگی	مرتبه علمی	امضاء
۱. استاد راهنما	دکتر رضا روحانی	دانشیار	
۲. استاد مشاور	دکتر سید محمد راستگوفر	دانشیار	
۳. متخصص و صاحب نظر دانشگاه	دکتر فاطمه سادات طاهری	استادیار	
۴. متخصص و صاحب نظر دانشگاه	دکتر سید مهدی متولی	استادیار	
۵. نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر فاطمه سادات طاهری	استادیار	

دکتر محمد رضا منصورنیا
مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه

آدرس: کاشان - بلوار قطب روانی

کد پستی: ۵۱۱۶۷-۸۷۳۱۷

تلفن: ۵۹۱۲۷۷۰-۵۹۱۲۷۷۲

www.kashanu.ac.ir



بسمه تعالی

تاریخ:
شماره:
پیوست:

تعهدنامه

در این پایان نامه با عنوان:

۱- مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش اینجانب بوده و صحت و اصالت مطالب نگارش شده مورد تأیید می باشد و در مواردی که از یافته‌های علمی و پژوهشی دیگر محققان تحت عنوان کتاب، پایان نامه، مقاله و غیره استفاده نموده‌ام؛ رعایت کامل امانتداری را در ذکر مشخصات و منابع و مآخذ استفاده شده نموده و آن را در فهرست مربوطه‌اش درج کرده‌ام.

۲- تمامی یا بخشی از پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی یا امتیازی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی توسط اینجانب و یا فرد دیگری ارائه نگردیده است و در تدوین متن پایان نامه چارچوب مصوب دانشگاه را به طور کامل رعایت کرده‌ام.

۳- مقالات مستخرج از این پایان نامه/ رساله کاملاً حاصل پژوهش اینجانب بوده و از هرگونه جعل در داده ها و یا تغییر پرهیز شده است.

۴- کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج، مطالعات، اختراعات، ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از تحقیق، همچنین چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس از این پایان نامه برای دانشگاه کاشان محفوظ است. نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

۵- در صورت اثبات تخلف در هر زمان مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه کاشان از درجه اعتبار ساقط و با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات مربوط رفتار خواهد شد.

نام و نام خانوادگی دانشجو:

نام و نام خانوادگی استاد راهنما:

امضاء

امضاء

آدرس: کاشان - بلوار قطب راوندی
کد پستی: ۸۷۳۱۷-۵۱۱۶۷
تلفن: ۵۱۱۱۲ - دویزکار ۵۵۱۱۱۲۱
www.kashanu.ac.ir

پیشکشی ناچیز به مادرم، خلیفهٔ خوب خداوند

که اولین و حیاتی‌ترین آموخته‌هایم بهرهٔ شکیبایی بسیار اوست،

و هر آن عزیزی که بعد از او و تا زمان مرگم، کلمه‌ای به دانش من

افزوده و خواهد افزود...

ستایش برای خداست؛ آن نخستین بی‌آغاز و آن واپسین بی‌انجام.
سپاس خدای را در برابر عطا و احسانش؛ احسانی که به ما و قبل از ما و بعد از ما به
بندگان، عطا فرمود.

سپاس خدای را که نور شناختش را به قلب ما تابانید و شکرش را بر وجودمان الهام فرمود
و دروازه بی‌پایان دانش به پروردگارش را بر ما گشود و ما را در مسیر دانش اندوزی، جرعه
نوش جام دانایی بندگان برگزیده‌اش نمود.

قدردان زحمات **استاد روحانی**، راهنمای گرمی‌ام هستم که صبورانه، با وجود همه
مشکلاتم در این راه، صمیمانه یاری‌ام کردند و دعای خیرشان را راه‌گشای سختی‌هایم
نمودند.

سپاس‌گذارم از وجود نازنین **دکتر راستگو**، مشاور گران‌قدرم که بنده حقیر را به همراهی
پذیرفتند و از هیچ کمکی در این راه دریغ نکردند.

همچنین قدردان محضر جناب آقای **دکتر متولی** و سرکار خانم **دکتر طاهری** هستم که با
وجود تنگنای وقت، قبول زحمت فرمودند و داوری این پژوهش را برعهده گرفتند.

چکیده

رضاقلی خان هدایت شاعر و نویسنده بزرگ دوره قاجار، در سال ۱۲۱۵ در تهران چشم به جهان گشود و به واسطه خدمات دیوانی پدر و بعدها پدرخوانده‌اش، از همان ابتدا مورد لطف و حمایت دربار قاجار قرار گرفت، او که از دوران جوانی به سرودن شعر می‌پرداخت برای خود تخلص چاکر را برگزید اما به سبب خوابی که او را به عارف معاصرش حاج زین العابدین شیروانی رهنمون می‌شد با اعتقادی قلبی تخلص هدایت را برای خویش برگزید و بنیان‌گذار خاندانی شد که در ادبیات ایران نقش مهمی ایفا کردند.

گرچه رضاقلی خان بیشتر عمر خود را صرف نگاشتن تذکره و تاریخ کرد اما در سرودن شعر نیز به درجه‌ای از مهارت رسیده بود که لقب امیر الشعرا را از فتحعلی‌شاه قاجار دریافت کرد و با پذیرفتن مسؤلیت تربیت فرزندان شاه به لاله باشی نیز شهرت یافت. هدایت به فرمان ناصرالدین شاه مدتی نیز در امور سیاسی وارد و سفیر خوارزم شد و بعد از اتمام سفارت، مدیریت مدرسه دارالفنون را بر عهده گرفت و سرانجام در سال ۱۲۸۸ دار فانی را وداع گفت.

سبک هدایت در غزلیات، پی‌گرفتن سبک بازگشت و تقلید از شاعران سبک عراقی به ویژه سبک حافظ در شعر عرفانی‌ست و هم‌قدم با سبک بازگشت می‌کوشد شعرش را به بهترین وجه در لباس شعر عراقی درآورد که در این میان تا حد بسیار کمی موفق بوده و چنان‌که شاهدیم به همین سبب امروزه او را بیشتر به نویسندگی می‌شناسند تا شاعری. روی هم رفته شعر هدایت ساده، و پر بسامدترین آرایه‌های ادبی غزلیات او تلمیح، تضاد، تشبیه، استعاره و جناس است. مضمون غزل‌های او نیز عرفانی، غنایی و مدحیات است که در شعر عرفانی به تکرار آن‌چه حافظ سروده می‌پردازد و در شعر غنایی گاه معشوق مذکر را می‌ستاید.

پژوهش حاضر در سه فصل تنظیم شده؛ فصل نخست زندگی‌نامه شاعر و سبک شعری وی (در سه سطح زبانی، ادبی و فکری) و معرفی نسخه‌های مورد استفاده را شامل می‌شود. فصل دوم به تصحیح متن اختصاص داده شده، فصل سوم تعلیقات و فرهنگ واژگان این اثر را در خود گنجانده و در پایان نیز فهرست‌ها نوشته شده است. (+تصحیح نسخه + ویرایش کلید واژه نسخ خطی و دیوان)

کلمات کلیدی:

۱. رضا قلی خان هدایت ۲. تصحیح غزلیات ۳. سبک بازگشت ۴. عرفان ۵. تقلید

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیش گفتار.....
۱	شرح تحقیق.....
۱	۱. موضوع تحقیق.....
۱	۲. زمینه، سابقه و تاریخچه تحقیق.....
۱	۳. اهداف تحقیق.....
۲	۴. اهمیت و ارزش تحقیق.....
۲	۵. فرضیه یا سؤال‌های ویژه.....
۲	۶. روش انجام تحقیق.....
	فصل اول: مقدمه
۴	۱. ولادت هدایت.....
۵	۲-۱. تخلص «چاکر»، «هدایت» و لقب «امیر الشعرا».....
۶	۳-۱. هدایت در زمان ناصرالدین شاه.....
۶	۴-۱. از سفر خوارزم و مدیریت دار الفنون تا رحلت.....
۹	نمودار خاندان هدایت.....
۱۰	۵-۱. نثر هدایت.....
۱۲	۶-۱. نظم هدایت.....
۱۳	۷-۱. آثار و تألیفات هدایت.....
۱۳	الف- آثار منثور.....
۱۹	ب- آثار منظوم.....
۲۲	۲. دوره بازگشت و شعر هدایت.....
۲۳	۳. سبک شناسی غزلیات هدایت.....
۲۳	۳-۱. ویژگی‌های آوایی.....
۲۳	۳-۱-۱. موسیقی.....
۲۳	۳-۱-۲. وزن.....
۲۴	۳-۱-۳. قافیه و ردیف.....
۲۴	۳-۱-۴. تکرار در قافیه.....
۲۴	۳-۱-۵. عیوب قافیه.....
۲۴	۳-۲. ویژگی‌های زبانی.....
۲۵	۳-۲-۱. واژگان کهن.....

۲۶ واژگان نو..... ۲-۲-۳
۲۷ ترکیب‌های عامیانه..... ۳-۲-۳
۲۸ واژه و ترکیب‌های خود ساخته هدایت..... ۴-۲-۳
۲۹ واژگان پر کاربرد یا «موتیوها»..... ۵-۲-۳
۳۰ نمودار بسامد واژگان پر کاربرد در غزلیات هدایت (بخش اول)..... ۳۰
۳۱ واژگان بیگانه..... ۶-۲-۳
۳۱ الف: ترکی..... ۳۱
۳۱ ب: عربی..... ۳۱
۳۲ ویژگی‌های دستوری (صرف و نحو)..... ۳-۳
۳۲ ۱-۳-۳. افعال کهن..... ۳۲
۳۲ ۲-۳-۳. افعال دعایی..... ۳۲
۳۲ ۳-۳-۳. جا به جایی ضمیر..... ۳۲
۳۳ ۴-۳-۳. معانی را..... ۳۳
۳۳ ۱-۴-۳-۳. رای فکّ اضافه..... ۳۳
۳۳ ۲-۴-۳-۳. را و باء قسم..... ۳۳
۳۳ ۵-۳-۳. تخفیف..... ۳۳
۳۳ ۶-۳-۳. ضعف تألیف..... ۳۳
۳۴ ۷-۳-۳. جابه جایی عدد و معدود..... ۳۴
۳۴ ۴-۳. ویژگی‌های ادبی (بلاغی)..... ۳۴
۳۴ ۱-۴-۳. انواع جناس..... ۳۴
۳۴ ۱-۱-۴-۳. جناس تام..... ۳۴
۳۵ ۲-۱-۴-۳. جناس زاید..... ۳۵
۳۵ الف: مزید..... ۳۵
۳۵ ب: مکّنّف..... ۳۵
۳۵ ج: مذّیل..... ۳۵
۳۵ ۳-۱-۴-۳. جناس خط (مصحف)..... ۳۵
۳۶ ۴-۱-۴-۳. جناس ناقص اختلافی (مختلف الاول، مختلف الوسط، مختلف الآخر)..... ۳۶
۳۶ ۵-۱-۴-۳. جناس ناقص (محرّف)..... ۳۶
۳۶ ۲-۴-۳. تکرار و روش‌های آن..... ۳۶
۳۶ ۱-۲-۴-۳. واج آرایبی..... ۳۶
۳۶ ۲-۲-۴-۳. تکرار واژه..... ۳۶
۳۷ ۳-۲-۴-۳. عکس..... ۳۷
۳۷ ۴-۲-۴-۳. پی آوری..... ۳۷

۳۷ اشتقاق و شبه اشتقاق.....۵-۲-۴-۳
۳۷ خلاف آمد.....۳-۴-۳
۳۸ لف و نشر(مرتب و مشوش).....۴-۴-۳
۳۸ مراعات النظیر(تناسب).....۵-۴-۳
۳۸ تضاد.....۶-۴-۳
۳۹ اغراق.....۷-۴-۳
۳۹ تلمیح.....۸-۴-۳
۴۰ تضمین.....۹-۴-۳
۴۰ تفریق.....۱۰-۴-۳
۴۰ جمع و تقسیم.....۱۱-۴-۳
۴۰ حسن تعلیل.....۱۲-۴-۳
۴۰ ارسال المثل.....۱۳-۴-۳
۴۱ تجرید.....۱۴-۴-۳
۴۱ استخدام.....۱۵-۴-۳
۴۱ ایهام.....۱۶-۴-۳
۴۲ ایهام تبادر.....۱-۱۶-۴-۳
۴۲ انواع تشبیه.....۱۷-۴-۳
۴۲ تشبیه کامل.....۱-۱۷-۴-۳
۴۲ تشبیه تفضیل.....۲-۱۷-۴-۳
۴۳ تشبیه بلیغ.....۳-۱۷-۴-۳
۴۳ انواع استعاره.....۱۸-۴-۳
۴۳ استعاره مکنیه(تشخیص).....۱-۱۸-۴-۳
۴۳ استعاره مصرّحه.....۲-۱۸-۴-۳
۴۳ استعاره تهکمیّه.....۳-۱۸-۴-۳
۴۴ کنایه.....۱۹-۴-۳
۴۴ تخلّص.....۲۰-۴-۳
۴۵ نمودار آرایه‌های ادبی دیوان غزلیات هدایت (بخش اول).....
۴۶ ویژگی‌های فکری.....۵-۳
۴۷ نمودار درون مایه غزلیات هدایت (بخش اول).....
۴۹ معشوق.....
۵۱ طنز.....
۵۱ اعتقادات شیعی هدایت.....
۵۲ مفاخره.....

۵۳ معرفی نسخه‌های خطی غزلیات هدایت
۵۳ ویژگی‌های مشترک رسم‌الخط نسخه‌ها
۵۴ شیوه تصحیح غزلیات هدایت
فصل دوم: غزلیات	
۵۶ غزلیات هدایت (بخش اول)
فصل سوم: تعلیقات	
۳۶۸ شرح ابیات دشوار
۳۷۴ توضیحات واژگان
فهرست‌ها	
۳۸۵ فهرست آیات قرآن
۳۸۷ فهرست احادیث و سخنان بزرگان
۳۸۸ فهرست اعلام (اشخاص)
۳۹۱ فهرست اعلام (مکان‌ها)
۳۹۳ فهرست امثال و حکم
۳۹۶ فهرست منابع و مأخذ

پیش‌گفتار

تاریخ چند هزار ساله و غنی ایران تا حد بسیار زیادی شهرتش را مدیون ادبیات این سرزمین است. این آثار ادبی همچون سایر کتب ارزشمند این سرزمین تا قرن گذشته، کمتر در دسترس عموم بوده و در موزه‌ها و کتابخانه‌های گوشه و کنار جهان بی‌هیچ خواننده‌ای پراکنده بودند؛ اما در صد سال گذشته آثار ادبی با سرعت چشم‌گیری در اختیار دوست‌داران دانش قرار گرفت. یکی از اصلی‌ترین ابزارهای انجام این مهم، تصحیح نسخ خطی شاعران، نویسندگان مشهور و مؤلفین آثار ادبی، علمی، تاریخی و دینی‌ست که اساتید بزرگی چون سعید نفیسی، بدیع الزمان فروزانفر، غلام‌حسین یوسفی، جلال‌الدین همایی، محمدرضا شفیعی کدکنی و... ساعات گران‌بهای زندگی خویش را هزینه‌ی انجام این کار مهم کرده‌اند. اکنون ما نیز با استفاده از دانش آن بزرگان و با یاری اساتید بزرگوار خود قدم در این راه نهاده‌ایم؛ باشد که این کوشش ثمری درخور داشته باشد.

شرح تحقیق

۱. موضوع تحقیق

موضوع کار تصحیح انتقادی دیوان غزلیات رضاقلی‌خان هدایت است، با توجه به این‌که تعداد ابیات دیوان غزلیات حدود ۸۰۰۰ بیت است کار تصحیح آن به دو قسمت تقسیم شد و تصحیح قسمت اول آن در تحقیق حاضر انجام می‌شود. در این تحقیق سعی بر این است که با مقابله‌ی نسخه‌های مختلف غزلیات، بهترین و صحیح‌ترین شکل آن ارائه شود و پس از مقایسه‌ی نسخه‌ها موارد اختلاف ذکر شود. همچنین معرفی زندگی و سبک اشعار و شیوه‌ی تصحیح ارائه می‌گردد و تعلیقات لازم در شرح مشکلات متن اضافه می‌شود.

۲. زمینه، سابقه و تاریخچه موضوع تحقیق

کمتر از صد سال است که کار تصحیح در ایران شروع شده است. با آن‌که کار تصحیح در کشور ما رونق گرفته است، هنوز آثار خطی بسیاری در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی در گوشه و کنار جهان وجود دارد که اقدامی جهت تصحیح آن‌ها صورت نگرفته است و همچنان دور از دسترس مانده‌اند. غزلیات رضاقلی‌خان هدایت نویسنده بنام دوره قاجار نیز هنوز به صورت نسخه خطی باقی مانده است و تنها بخش قصاید اشعار وی تصحیح و چاپ شده است.

۳. اهداف تحقیق

هدف ما از این تحقیق احیای یکی از آثار غنایی دوره قاجار و زنده کردن نام نویسنده بزرگ آن رضا قلی‌خان هدایت است که بیشتر او را به عنوان تذکره‌نویس می‌شناسند و امیرالشعرا بودنش کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هدف دیگر این تحقیق آن است که دیوان غزلیات تصحیح شود و شعر هدایت به همگان معرفی شود، ویژگی‌های سبکی اشعارش مشخص گردد و در نهایت دیوان غزلیات برای چاپ و نشر آماده شود.

۴. اهمیت و ارزش تحقیق

با توجه به این که متون ادبی یکی از منابع اصلی فرهنگ کشور ماست و آنچه در ادبیات بیشتر از سایر شکل‌ها و قالب‌ها نمود می‌یابد شعر و شاعری است و هنوز شاعران بسیاری هستند که علی‌رغم گذشت سال‌ها و بلکه قرن‌ها از حیات آن‌ها مجموعه سروده‌هایشان همچنان در پرده انزوا و خمول نهفته است بنابر این وظیفه دانشجویان ادبیات است که در احیای این میراث‌های فرهنگی و ذخایر ملی و ادبی بکوشند و با تصحیح و چاپ متون خطی هم بخش‌هایی از فرهنگ مکتوب خویش را زنده نگه دارند و در نهایت هم مواد لازم و مناسبی برای بررسی‌های ادبی، تاریخی و... در اختیار پژوهشگران قرار دهند. نتیجه تحقیق در دروس تاریخ ادبیات و فهم بیشتر تاریخ شعر فارسی و تحولات آن در دوره بازگشت ادبی، سبک‌شناسی شعر و در نتیجه شناخت بیشتر و بهتر آثار ادبی کاربرد دارد.

۵. فرضیه یا سوال‌های ویژه

۱- چند نسخه از غزلیات رضا قلی‌خان به جا مانده است؟

۲- نسخه‌های او دارای چه ویژگی‌هایی است؟

۳- کدام روش تعریف شده برای تصحیح نسخ خطی غزلیات به کار می‌آید؟

۴- ویژگی‌های سبکی غزلیات ایشان (اعم از ویژگی‌های زبانی و ادبی و فکری) چیست؟

۵- آیا سبک او دارای نبوغ است یا تقلید صرف از شاعران سنتی است؟

۶. روش انجام تحقیق

روش انجام تحقیق اسنادی-کتابخانه‌ای است که در مقدمه به شیوه توصیف زندگی نامه و با تحلیل محتوا (تحلیل سبک‌شناسی) به بررسی سبک غزلیات پرداخته می‌شود. در متن از شیوه تصحیح انتقادی و در تعلیقات از شیوه تفسیری استفاده می‌شود. در پایان سپاس‌گزار همه عزیزانی هستم که در به پایان رساندن این پژوهش یاری‌ام کردند. امید که خوانندگان آن کاستی‌ها را بر من ببخشایند.

۱. ولادت هدایت

«ولادت هدایت در شب پانزدهم شهر محرم الحرام تخمیناً ساعتی قبل از طلوع فجر در سنه هزار و دویست و پانزده در دارالخلافة تهران واقع گردید.» (هدایت، ریاض العارفین: ۶۰۱). پدرش هادی، از بزرگان چارده کلاته از اراضی هزار جریب دامغان و سمنان از نوادگان کمال اسماعیل شاعر قرن ۷ هجری بوده است. چون آبا و اجداد هدایت نسب خود را به کمال خجندی می-رساندند «در اسامی آن طایفه کمال الحاق می شده.» (همو، مجمع الفصحا: ۱۲۰۹/۶)

پدر هدایت، سالها ریش سفیدی عملة خلوت و صندوق داری آقا محمدخان قاجار را بر عهده داشته و بعد از قتل آقا محمدخان به دربار فتحعلی شاه وارد و به همان شغل گذشته خود مشغول می شود.

هدایت در مورد وقایع سال ۱۲۱۵ می نویسد:

«والدم در رکاب نصرت مآب خاقان صاحب قران [فتحعلی شاه] به سفر خراسان بود که در دارالخلافة تهران متولد شدم و چون پدر عزیمت روضه رضوی داشت، بدان مناسبت نام غلام آن حضرت را رضاقلی گذاشت.» (همو، فهرس التواریخ: ۳۳۵)

پدر هدایت پس از دو سال به خزانه داری فارس مأمور می شود و سرانجام در سال ۱۳۱۸ دار فانی را وداع می گوید.

او بعدها در مورد رحلت پدر چنین می سراید:

به طفلی برفت از سرم چون سه سال
پدر کردم از این جهان ارتحال
(هدایت، خرم بهشت: ۴۲۱)

پس از فوت پدر، هدایت همراه مادرش به بار فروش (شهری از توابع مازندران) نزد اقوام مادری می رود. او در منظومه بحرالحقایق به این سفر اشاره دارد:

گاه خردی به حکم نسبت مام شد به مازندران مرا آرام
بودم آن جا چو چند سال مقیم یادم آید همی ز عهد قدیم
(هدایت، بحرالحقایق: ۷۳)

بعد از چند سال مادرش به قصد زیارت خانه خدا به شیراز می آید و در آن جا با محمد مهدی-خان شحنه، پسرعمویش ازدواج می کند و سپس راهی مکه می شود اما «در مدینه طیبه وفات می یابد و در مقبره بقیع مدفون می شود» (هدایت، ریاض العارفین: ۶۰۱)

او درباره رحلت مادرش چنین می سراید:

ده و دو چو شد سال من لاجرم ز شیراز شد مادرم زی حرم
چو لختی در آن پاک تربت بماند به جان و جهان آستین برفشانند
(هدایت، خرم بهشت: ۴۲۲)

هدایت پس از درگذشت مادر نزد محمد مهدی خان شحنه پدرخوانده خود پرورش یافت و دختر او مریم خانم را به زنی گرفت. (ر.ک میرخواند، روضه الصفا: ۸۱۱۳/۱۴) سپس به تحصیل و

تکمیل معلومات خود پرداخت و به خدمت و ملازمت والی فارس حسین‌علی میرزا فرزند فتحعلی‌شاه درآمد. «در عنفوان شباب پا بر دایره نظم گذاشته، حال در خدمت فلک رفعت نواب رضاقلی میرزا که یکی از دراری عمان فرمان فرمایی است از جمله مقربان است» (نواب، تذکره دلگشا: ۴۱۹)

۱-۲. تخلص «چاکر»، «هدایت» و لقب «امیر الشعرا»

به واسطه خدمات فتحعلی‌شاه و پسرش رضاقلی میرزا بود که هدایت «ابتدا چاکر تخلص می‌کرد و بعدها آن را به هدایت تغییر داد.» (نظمی تبریزی، دویست سخنور: ۷۴۸)

شرح کامل این تغییر تخلص، که در خلال آن می‌توان از ارادت قلبی و مشرب تصوفی هدایت نیز تا حدی آگاه شد، در *اصول الفصول* او نوشته شده:

«سبب این لقب [هدایت] این که شبی در واقعه دیده شد جناب حاج زین العابدین شیروانی ملقب به مست علی شاه هستم و حرف اسمی و نقش خاتمی در میان است و مرا به قبول آن اسم با خاتم تأکید می‌نمایند. چون روز دیگر شرفیاب شدم فرمودند: «در شب به خواب دیدم که به تو می‌گویم تخلص خود را تبدیل کن به اسم هدایت و اصرار می‌کنم در این باب، مثل کسی که از کسی بزرگ به این امر مأمور باشد و می‌گویم: الاسماء تنزل من الاسماء، چون صدق رویای صالحه طرفین ثابت شد و به هدایت ملقب و متخلص شدم بعدها مثنوی هدایت نامه را منظوم کردم.» (هدایت، اصول الفصول: ۷۹۲)

در سال ۱۲۴۵ فتحعلی‌شاه عزم سفر به فارس می‌کند و همان زمان میرزا محمدتقی علی آبادی که سمت صاحب‌دیوانی داشته، هدایت را به شاه معرفی می‌کند و چون فتحعلی‌خان صبا، ملک الشعرا دربار در آن زمان رحلت کرده بود و شاه کفایت و لیاقت هدایت را دریافته بود لقب خانی و امیرالشعرا را به هدایت می‌دهد و او را «بدین منصب منظور می‌دارد» (همو، مجمع الفصحا: ۱۲۰۹/۶)

پس از در گذشت فتحعلی‌شاه و به سلطنت رسیدن محمدشاه، هدایت در سال ۱۲۵۵ با پیشکش‌هایی از جانب فریدون میرزا، مأمور به تهران می‌شود و بعد از ورود به تهران در خانه شوهر دختر عمه خود، میرزا آقاسی که سمت صدراعظمی داشته منزل می‌کند.

او که پیش از این در شیراز به ندیمی فیروزمیرزا فرزند محمدشاه منصوب شده بود، در تهران «به خدمت عباس میرزا مأمور گردید.» (همو، فهرس التواریخ: ۴۵۱)

به همین دلیل لقب لاله‌باشی به معنی دایه و مربی به او داده شد و «متدرجاً مراتب لطف شاهنشاه در مورد ایشان رو به فزونی نهاد تا بدان پایه که محرم خلوت و مقرب حضرت گردید و در سفر و حضر در رکاب اعلا بود و منشور حکومت بعضی بلوکات به نام ایشان صادر شد و اکثر اوقات در مصاحبت پادشاه به ذکر وقایع تاریخی و مذاکرات ادبی می‌گذرانید.» (محمود هدایت، گلزار جاویدان: ۱۷۳۲) او حتی در سال ۱۲۶۳ به حکمرانی فیروزکوه منصوب شد چنان که خود در شرح فیروز کوه از کتاب *سفارت نامه خوارزم* می‌گوید: «در اواخر دولت پادشاه

مغفور خاقان سعید محمد شاه قاجار - نور الله مضجعه - چندی ضبط و حکومت آن جا
[فیروزکوه] با این غلام صداقت فرجام بوده.» (هدایت، سفارت نامه خوارزم: ۱۴)
۳-۱. هدایت در زمان ناصرالدین شاه:

در سال ۱۲۶۴ محمدشاه درگذشت و ناصرالدین شاه جانشین او شد. محمدشاه در اواخر عمر قصد داشت عباس میرزا را قائم مقام و جانشین خود سازد ولی دست اجل مانع او شد. از این رو ناصرالدین شاه پس از جلوس بر تخت شاهی از عباس میرزا و به تبع آن لله او هدایت، دل خوشی نداشت. هدایت در مجمع الفصحا آن جا که ناصرالدین شاه از تبریز به تهران و مقر پادشاهی می آید به طور سر بسته به این موضوع اشاره ای دارد: «در یک منزلی دارالخلافه به رکاب بوسی شرفیاب گشته به خدمت مقررّه مأمور آمدم، اما به سببی چند از آن خدمت استعفا نمودم و به کنج عزلت افتادم.» (همو، مجمع الفصحا: ۱۲۱۰) او درباره این استعفا و به کنج عزلت افتادن در ریاض العارفین با توضیح بیشتری چنین می گوید: «فقیر از صغر سن، طبعم به معلومات و منظومات راغب و استحضار اطوار و اشعار اهل کمال را طالب و به حسب ذوق فطری در دبستان سخن موزون زبان گشاده و اندک اندک پا به دایره نظم نهاده و روزگاری چند به حکم وراثت ملازمت نمود. عاقبت با خود، ستیزان و از خدمت، گریزان در کنج عزلت پا به دامن کشید. همگان را کارش شگفت آمد و هر یک در این کار رأیی زده، درباره وی سخنان مختلفی راندند، بعضی دیوانه و برخی فرزانه خواندند. فقیران گفتند: جذبه اش رسیده و امیران گفتند: فقیری گزیده، یکی همتش را عالی و یکی طبعش را لابلالی شمرد و انصاف آن است، به مضمون این لطیفه که هر کس خویش را بهتر شناسد، فرزانه گفتنش قوی و دیوانه خواندنش اولی است.» (همو، ریاض العارفین: ۶۰۱)

اما جعفرقلی خان پسر هدایت تصویر روشن تری از علت این گوشه نشینی به ما می دهد: «ما بین میرزا تقی خان امیرکبیر و مرحوم هدایت به علت مأموریتی که امیرکبیر در اوان صدارت خود به هدایت داده و او از قبول آن استنکاف کرده بود، صفایی وجود نداشت به همین علت مرحوم هدایت مدت ها خانه نشین و به سختی و پریشانی روزگار می گذاشت و از راه استقراض و فروش اثاثیه منزل خود زندگانی می کرد.» (اقبال ۱۳۲۶/۹)

۴-۱. از سفر خوارزم و مدیریت دار الفنون تا رحلت

این تنگی و عسرت تا سال ۱۲۶۷ ادامه می یابد و سر انجام با انتخاب هدایت به عنوان سفیر خوارزم از سوی امیرکبیر پایان می یابد. در فرمان امیرکبیر به هدایت آمده است: «زیاده از یک ماه در خیوق معطل نشود» (همان: ۱۳) ولی این سفر بیش از هشت ماه به طول می انجامد و سرانجام او از این مأموریت بازمی گردد. هدایت شرح سفر و وقایع آن را در کتابی با نام سفارتنامه خوارزم نگاشته است. در هنگام بازگشت هدایت از خوارزم، امیرکبیر مغضوب ناصرالدین شاه واقع و عزل می شود. همزمان با همین رویداد در تاریخ ۵ ربیع الثانی ۱۲۶۸ دارالفنون گشایش یافت و شاه برای اداره این مدرسه رضاقلی خان را بهترین گزینه می یابد. به

این ترتیب «رضا قلی خان هدایت به عنوان اولین ناظم دارالفنون انتخاب می‌شود و تا هجده سال این سمت را برعهده داشته‌است.» (اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری: ۱۰۸۱/۲) او در حین انجام وظیفه با سمت ناظم دارالفنون، از جانب ناصر الدین شاه مکلف به اتمام تاریخ روضه‌الصفای میرخواند می‌شود. هم‌چنین در این اوان به عنوان یکی از اعضای بیست و سه نفره مجلس مصلحت‌خانه نیز انتخاب می‌شود و در همین سال که اعتضاد السلطنه پسر فتحعلی‌شاه به وزارت علوم منصوب شد رضاقلی خان «به نیابت وزارت علوم برقرار گردید.» (همان: ۱۸۲۲) هنگامی که ناصرالدین شاه، مظفر الدین میرزا را به عنوان ولیعهد تعیین کرد، للگی او را به هدایت سپرد و رضاقلی خان همراه با ولیعهد به تبریز رفت.

در سال ۱۲۸۸ همسر هدایت از دنیا می‌رود و هدایت با پیشگویی، وفات خود را در همان سال خبر می‌دهد.

«در سنه ۱۲۸۸ باد سختی وزید و گرد سرخی در هوا منتشر شد که چند قدم جلو پا را نمی‌شد دید، همان باد سبب سکتة جدّه شد و دختر محمد مهدی خان شحنة شیراز از آن سکتة در گذشت. از محمدحسین خان ادیب‌الدوله ناظم دارالفنون شنیدم که فوت جدّه را به رضا قلی خان که در باغ بیرونی جعفر قلی خان عمو منزل داشت، نگفته بودند. جنازه را که از کنار باغ می‌بردند رضا قلی خان به در اتاق آمده، گفته بود: خانم رفتی من هم عنقریب می‌آیم.» (مخبر السلطنه، خاطرات و خطرات: ۲)

وی تاریخ وفات خود را قبل از آن که آثار مرگ در وی مشهود باشد در قطعۀ زیر گفته:

جهان سپنج سراییست نی سرای مقیم مقیمش ارچه بسی زیست در نهایت رفت
 هزار سال اگر بود کس در او به مراد گه رحیل که می‌رفت با شکایت رفت
 هم آن که داشت بسی طاعت ثواب نزیست هم آن که داشت بسی جرم و بس جنایت رفت
 جوان و پیر به حسرت به‌سان یکدگرند که هر که رفت به ناکام از این ولایت رفت
 کسی به عقل و کفایت به روزگار نماند هزار زیرک و باعقل و با کفایت رفت
 هزار و دو صد و هشتاد و هشت رفته ز سال از این جهان به جهان دگر هدایت رفت
 (رضوی نژاد، چهارصد شاعر برگزیده پارسی-
 گوی: ۳۲۹)

سر انجام رضا قلی خان هدایت مردی که «دقیقه‌ای از عمر خود را ضایع و مهمل نگذاشت» (حبیب آبادی، مکارم آثار: ۱-۵۴۲/۲) در دهم ربیع الثانی ۱۲۸۸ چشم از جهان فروبست. «سبب مرگ او بیماری استسقاء بوده است.» (اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری: ۵۷)

نظمی تبریزی درباره فوت او چنین می‌سراید:

هدایت آن که از مدحش زبانم به چندین ترزبانی هست کوتاه
 زند تا خیمه در ملک فراغت از این محنت‌سرا برکند خرگاه
 به چندین نامه آن فرزانه فاضل توان گفتن که مرد؟ استغفرالله

به تاریخ وفاتش نکته‌سنجی رقم‌زد: «شد هدایت طاب ماثواه»
(نظمی تبریزی، دوپست سخنور: ۷۴۷)

خاندان هدایت همگی دارای جاه و مقام در دربار و اجتماع بوده‌اند، تبارنامه هدایت را در نمودار
صفحه بعد مشاهده می‌کنید.

خاندان هدایت

علی قلی مخبرالدوله

حسین قلی مخبرالدوله (وزیر پست و تلگراف در ۶ کابینه)

مرتضی قلی خان صنیع الدوله (اولین نخست وزیر شورای ملی)

مهدی قلی خان مخبر السلطنه (نخست وزیر ایران)

محمد قلی خان مخبر الملک (نماینده تجار تهران)

زیبنده خانم (همسر جواد خان سعد الدوله)

رضا قلی خان هدایت

جعفر قلی خان نیّر الملک

سلیمان خان

رضا قلی خان نیّر الملک

هدایت قلی خان اعتضاد الملک

کریم هدایت (امیر لشکر)

یک دختر (همسر مهدی قلی هدایت)

عیسی هدایت (سرلشکر)

محمود هدایت (نویسنده)

صادق هدایت (نویسنده)

اختر الملوک

انور الملوک (همسر علی رزم آرا)

اشرف الملوک (مادر بیژن جلالی)

۵-۱. نثر هدایت

رضاقلی خان علاوه بر تبخّری که در فن نظم داشت - که به آن خواهیم پرداخت -، آثاری نیز در نثر دارد که همه از جمله کتاب‌های فاخر و مرجع زبان و ادب فارسی به شمار می‌رود. برای آشنایی با فن نویسندگی او در نثر بهتر آن دیدیم تا نظر کارشناسانۀ ملک الشعراء بهار را بیاوریم. ایشان در کتاب سبک شناسی درباره سبک نثر او ذیل کتاب تاریخ می‌خوانند نوشته: «الحق باید بر پشتکار مشارالیه و تشویق دولت و انتظام مطبعه و خطاطان آن عصر آفرین گفت، زیرا این کتاب از بهترین کتبی است که در آن عصر چاپ شده، هم از حیث کمی اغلاط و هم از حیث خوبی چاپ و مرکب و سلیقه طابع.» (بهار، سبک شناسی: ۳۶۷) نواب شیرازی نیز در تذکره دلگشا اورا چنین ستوده: «طبعش قادر و فنون سخنوری را ماهر و در انواع سخن کما ینبغی کامل.» (نواب شیرازی، تذکره دلگشا: ۴۲۹)

هر چند از این میان خود مرحوم بهار بعد از تمجید از پشتکار وی او را به خاطر ملاحظاتی که در نوشتن تاریخ می‌خواند روا داشته نقد می‌کند. «متأسفانه بعضی از فصول تاریخ می‌خواند معلوم نیست سهواً یا عمداً حذف گردیده است از قبیل: شرح احوال صدر الدین ربیعی فوشنجی شاعر معاصر ملک معزالدین، زیر عنوان ذکر خطیب فوشنج در جلد چهارم که هم می‌خواند و هم خواند میر آن را نوشته‌اند و در نسخ خطی و چاپ بمبئی موجود و از چاپ تهران افتاده است! و نیز در همان جلد بعد از ذکر واقعه حرب ملک معزالدین کرت با وجیه الدین مسعود سربردار، قصه اسارت امیر فخر الدین مشتهر به ابن یمین شاعر شیرین سخن را که در آن جنگ روی داده و دیوان شعر او به غارت رفته است و قطعه‌ای که ابن یمین در این باب گفته است و خود فصلی از شرح حال آن شاعر می‌باشد، معلوم نیست عمداً یا سهواً مانند شرح حال و داستان پر ملال صدر الدین ربیعی حذف کرده است و اگر باز هم دقت شود شاید از این قبیل سهوها در این کتاب موجود باشد.» (بهار، سبک شناسی: ۳۶۹)

صاحب تذکره میخانه نیز ذیل نام شیخ ابو عبدالله محمد ابن عبدالله معروف به باکویه و معروف به بابا کوهی از علما و عرفای قرن پنجم می‌نویسد: «دیوانی منسوب به بابا کوهی در سال ۱۳۴۷ ق در شیراز به طبع رسیده که اشعار آن بسیار سست است و به طوری که علامه فقید مرحوم محمد قزوینی استدلال و استنتاج کرده است دیوان مزبور از شاعر گمنام بد شعری از قرن نهم یا دهم است که به مناسبت اشتراک لفظی کوهی که تخلص او بوده به باکویی نسبت داده شده و باعث بر یک چنین اشتباهی قول رضا قلی خان هدایت است در ریاض العارفین.» (قزوینی، تذکره میخانه: ۸۷)

در مورد مجمع الفصحای او نیز دکتر زرّین کوب چنین نوشته: «از جهت نقّادی ایراد عمده‌ای که بر این کتاب وارد است افراط نویسندۀ در مبالغه و مجامله و اجتناب از آراء و عقاید صحیح و بارز است. در این کتاب عباراتی که درباره مقام ادبی شاعران نوشته شده عموماً مجمل و مبهم و یک‌نواخت به نظر می‌آید... مجمع الفصحا مخصوصاً در احوال معاصران گویا چندان رعایت حق و انصاف را نکرده است و از حب و بغض شخصی برکنار نمانده است و مکرّر در احوال معاصران